

مرگ معاویه دوم در سال 64 هجری قمری



پس از آن که یزید بن معاویه (دومین حاکم سلسله امویان) در چهاردهم ربیع الاولی سال 64 قمری به هلاکت رسید، بر اساس وصیت او و تصمیم ریش سفیدان بنی امیه و صاحب نفوذان دربار اموی، فرزند وی، به نام معاویه بن یزید به خلافت رسید.

پس از آن که یزید بن معاویه (دومین حاکم سلسله امویان) در چهاردهم ربیع الاولی سال 64 قمری به هلاکت رسید، بر اساس وصیت او و تصمیم ریش سفیدان بنی امیه و صاحب نفوذان دربار اموی، فرزند وی، به نام معاویه بن یزید به خلافت رسید.

معاویه بن یزید بن معاویه، که به معاویه دوم نیز مشهور است، پس از چهل روز حکومت، از ادامه خلافت دل زده شد و حکومت و خلافت خاندان خویش را ناصواب و غیر شایسته دانست و بدین جهت از این مقام کناره گرفت و به طور رسمی از مقام خود استعفا داد. او در جمع مردم، خلافت پدر و جد خویش را ناصواب معرفی کرد و گفت که حاضر نیست به راه آنان ادامه دهد. بلکه باید این مقام به جایگاه اصلی خویش برگردد.

مروان بن حکم، که پیر امویان بود، از پای منبر برخاست و به وی گفت: حال که خود طالب خلافت نیستی، پس امر آن را به شورای مسلمانان واگذار، همان کاری که عمر بن خطاب انجام داد.

معاویه دوم در پاسخ او گفت: من خود شربنی خلافت را نچشیدم چگونه پی آمد ناگوار و وزر و بال آن را بر عهده گیرم.

پس از آن، خانه نشینی را برگزید و در میان مردم و در اجتماع آنان حاضر نمی شد. مادرش از کردار و رفتار او بسیار ناراحت و خشمگین بود و از شدت نگرانی و ناراحتی به وی گفت: ای کاش، خون حیض می شدی و به وجود نمی آمدی! معاویه در پاسخ مادرش گفت: ای مادر، به خدا سوگند دوست داشتم که خون حیض بوده و به دنیا نمی آمدم و قلاده این امر (خلافت غاصبانه) را بر گردن نمی افکندم و ای کاش، نمی دانستم برای خدا بهشت و جهنمی در کار است!

به هر روی، معاویه دوم پس از چهل روز و به قولی، پس از دو ماه خلافت، از این مقام کناره گرفت و خانه نشین شد. ولی دیری نپایید که مرموزانه در 25 جمادی الاولی، وفات یافت.

برخی از مورخان معتقدند که وی را مسموم و از این راه سر به نیست کردند، تا زمینه برای خودکامگی مروان بن حکم فراهم شود.